

بسمه تعالی

عنوان: تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع)

چکیده مقاله:

مقدمه و هدف:

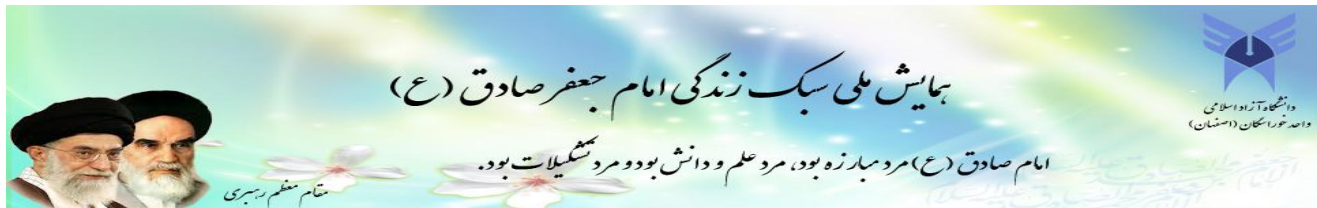
هنگامی که در کلام الهی از انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین پروردگار روی زمین یاد می شود و به فرشتگان برای سجده نمودن در مقابل این موجود امر می شود. این همه نشان دهنده کرامت و جایگاه ادمی است. از نگاه شریعت اسلامی انسان مجموعه ای از استعدادها و بالقوه است که برای به فعلیت در آوردن این استعدادها و توانایی ها نیازمند تعلیم و تربیت است. تربیت عبارت است از شکوفا سازی استعدادها و جهت دهی آن به سوی کمال مطلوب. تربیت ضروری ترین نیاز انسان در زندگی است. انسان بدون تربیت صحیح ره به جایی نمی برد، نه از باغ زندگی خویش میوه شیرین می چیند و نه کام انسانهای دیگر را از ثمرات درخت وجود خود شیرین می کند؛ و بالاتر آنکه نه به درک معنای انسانیت نایل می آید و نه به فتح قله های رفیع انسانیت دست می یازد. بدین جهت عالیترین هدف پیامبران و اساسی ترین پیام کتب و اولین و ضروری ترین وظیفه والدین است. ضرورت و اهمیت تربیت، والدین را بر آن می دارد که به این مسوولیت بزرگ ارجحی دو چندان نهند؛ برای ایفای درست آن خود را به صلاح و آگاهی از روش و فنون تربیت مجهز سازند و بالگو گرفتن از مربیان موفق در انجام دادن این وظیفه مهم بکوشند. بی شک معصومان علیهم السلام موفق ترین مربیان و سیره قولی و عملی آنها مطمئن ترین الگو برای والدین در امر ظریف و پریچ و خم تربیت است.

روش اجرا:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که با بررسی متون و کتب اسلامی و دینی و احادیث و جمع آوری مواردی که به سیره امام صادق (ع) در تعلیم و تربیت پرداخته است.

یافته ها:

بنابر این ائمه معصومین ما همه راه واحدی را در خصوص ترویج معارف الهی طی کرده اند، اما فرصتهای پیش روی آنها لزوماً برای نشر این معارف یکسان نبوده است. سران مذاهب چهار گانه اهل سنت نیز از سفره علم و معرفت امام صادق (ع) ارتزاق نموده اند. بسیاری از احادیث که راهنمای عملی ما در زندگی هستند نیز از زبان حضرت امام صادق (ع) نقل شده است. اینها همه نشان دهنده نقش پررنگ این امام همام می باشد. حضرت امام صادق (ع) وظیفه و رسالتی را که در زمینه نشر معارف اهل بیت بر عهده داشتند به بهترین شایان جلسات درس و بحث را به صورتی گسترده تشکیل داد و شاگردان زیادی را در این راه تربیت نمود. ایشان شالوده علمی قوی و استواری را پایه ریزی کرد که تا به امروز راهنمای پیروان حقیقت می باشد. پس نامگذاری شیعه اثنی عشری به شیعه جعفری ریشه در نهضت مذهبی و علمی این امام بزرگوار و ادامه این نهضت توسط شاگردان ایشان دارد. نهضت پویای که همچنان ادامه خواهد داشت



بحث و نتیجه گیری:

با توجه به روایات و احادیث اسلامی میتوان نتیجه گرفت تعلیم و تربیت که تبلور کامل آن در مکتب متعالی اسلامی است هیچ مکتب دیگری قادر نیست انسان را به مقصد اصلی حیات هدایت کرده و به خیر و سعادت ابدی نایل سازد و اگر رهنمود وحی و مریبان آسمانی نباشد انسان نمی تواند به منبع و مکتب دیگری تکیه کند

کلید واژه: تعلیم و تربیت، امام صادق (ع)، مکتب اسلام، آموزه های تربیتی

مقدمه

اسلام عزیز علم و دانش را نور می داند. نوری که خدا آن را در قلبهای مستعد می پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می آید. علم آدمی را از تاریکی و ظلمت می رهاند و او را به سوی نور و روشنائی رهنمون می سازد. آدمی چگونه می تواند از این منبع درخشان رویگردان و بی بهره‌ماند، در حالیکه در آموزه های روایی، پی گیری آن حتی در دوردست ترین سرزمین ها که چین کنایه ای از آن بوده سفارش شده است

انچه به دوره امامت حضرت امام صادق (ع) ویژگی خاصی بخشیده، استفاده از علم بی کران امامت، تربیت دانش طلبان و بنیان گذاری فکری و علمی مذهب تشیع است. در این باره چهار موضوع قابل توجه است:

الف- دانش امام

ب- ویژگی های عصر آن حضرت که منجر به حرکت علمی و پایه ریزی نهضت علمی شد

ج- اولویت ها در نهضت علمی

د- شیوه ها و اهداف و نتایج این نهضت علمی

الف- دانش امام

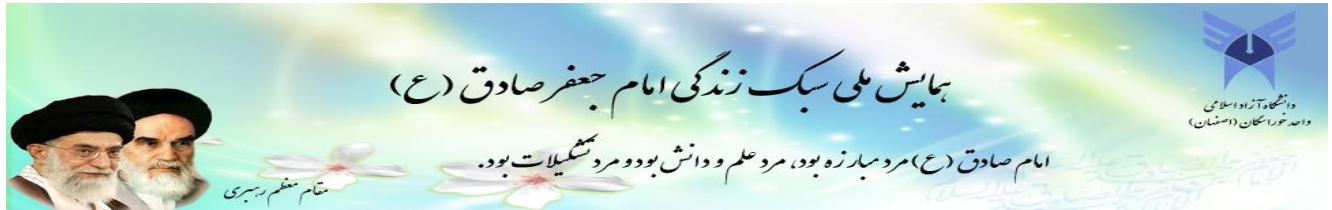
شیخ مفید می نویسد: آن قدر مردم از دانش حضرت نقل کرده اند که به تمام شهرها منتشر شده و کران تا کران جهان را فرا گرفته است و از احدی از علمای اهل بیت علیهم السلام این مقدار احادیث نقل نشده است به این اندازه که از آن حضرت نقل شده. اصحاب حدیث، راویان آن حضرت را با اختلاف آرا و مذاهبتان گرد آورده و عددشان به چهار هزار تن رسیده و آن قدر نشانه های آشکار بر امامت آن حضرت ظاهر شده که دلها را روشن و زبان مخالفان را از ایرادشبهه لال کرده است.

سید مؤمن شافعی نیز می نویسد: مناقب آن حضرت بسیار است تا آن جا که شمارشگر حساب ناتوان است از آن.

ابوحنیفه می گفت: من هرگز فقیه تر از جعفر بن محمد ندیده ام و او حتما داناترین امت اسلامی است.

حسن بن زیاد می گوید: از ابوحنیفه پرسیدم: به نظر تو چه کسی در فقه سرآمد است؟

گفت: جعفر بن محمد. روزی منصور دوانیقی به من گفت: مردم توجه زیادی به جعفر بن محمد پیدا کرده اند و سیل جمعیت به سوی او سرازیر شده است. پرسشهایی دشوار آماده کن و پاسخ هایش را بخواه تا او از چشم مسلمانان بیفتد. من چهل مسئله دشوار آماده کردم.



هنگامی که وارد مجلس شدم، دیدم امام در سمت راست منصور نشسته است. سلام کردم و نشستم. منصور از من خواست سوالاتم را بپرسم. من یک یک سؤال می کردم و حضرت در جواب می فرمود: در مورد این مسئله، نظر شما چنین و اهل مدینه چنان است و فتوای خود را نیز می گفتند که گاه موافق و گاه مخالف ما بود.

ب- ویژگی های عصر آن حضرت

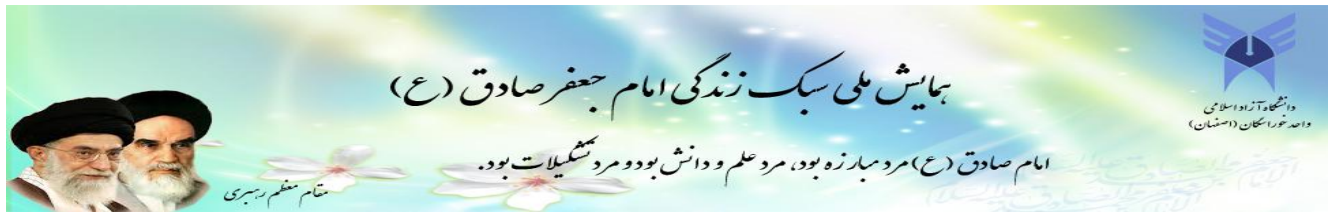
عصر امام صادق (ع) همزمان با دو حکومت مروانی و عباسی بود که انواع تضییق ها و فشارها بر آن حضرت وارد می شد، بارها او را بدون آن که جرمی مرتکب شود، به تبعید می بردند. از جمله یکبار به همراه پدرش به شام و بار دیگر در عصر عباسی به عراق رفت. یکبار در زمان سفاح به حیره و چند بار در زمان منصور به حیره، کوفه و بغداد رفت.

با این بیان، این تحلیل که حکومت گران به دلیل نزاع های خود، فرصت آزار امام را نداشتند و حضرت در یک فضای آرام به تاسیس نهضت علمی پرداخت، به صورت مطلق پذیرفتنی نیست، بلکه امام با وجود آزارهای موسمی اموی و عباسی از هر نوع فرصتی استفاده می کرد تا نهضت علمی خود را به راه اندازد و دلیل عمده رویکرد حضرت، بسته بودن راه های دیگر بود. چنان چه امام از ناچاری عمدا رو به تقیه می آورد. زیرا خلفا در صدد بودند با کوچکترین بهانه ای حضرت را از سر راه خود بردارند. لذا منصور می گفت: هذا الشجی معترض فی الحلق جعفر بن محمد مثل استخوانی در گلو است که نه می توان فرو برد و نه می توان بیرون افکند. بر همین اساس خلفا در صدد بودند ولو به صورت توطئه، حضرت را گرفتار و در نهایت شهید کنند.

ج) اولویت ها در نهضت علمی

حال باید توضیح داد که در این مسیر حضرت چه چیزی محتوای این نهضت علمی را تعیین می کرد؟ حقیقت این است که جریان نفاق، خطرناک ترین انحرافی است که از زمان پیامبر اکرم (ص) شروع شده و در آیات مختلفی بدان اشاره شده است، مانند آیات ۷ و ۸ سوره منافقین. این حرکت هر چند در زمان پیامبر نتوانست در صحنه اجتماعی بروز یابد، اما از اولین لحظات رحلت، تمام حجه های منافقان به یکباره بر سر اهل بیت علیهم السلام فرو ریخت. لذا مرحوم علامه طباطبایی می نویسد:

هنگامی که خلافت از اهل بیت علیهم السلام گرفته شد، مردم روی این جریان از آن ها روی گردان شدند و اهل بیت علیهم السلام در ردیف اشخاص عادی بلکه به خاطر سیاست دولت وقت، مطرود از جامعه شناخته شدند و در نتیجه مسلمان ها از اهل بیت علیهم السلام دور افتادند و از تربیت علمی و عملی آنان محروم شدند. البته امویان به این هم بسنده نکردند و با نصب علمای سفارشی خود، کوشیدند از مطرح شدن ائمه اطهار علیهم السلام از این طریق نیز جلوگیری کنند. چنانچه معاویه رسماً اعلام کرد: کسی که علم و دانش قرآن نزد اوست، عبدالله بن سلام است و در زمان عبدالملک اعلام شد: کسی جز عطا حق فتوا ندارد و اگر او نبود، عبدالله بن نجیع فتوا دهد، از سوی دیگر مردم از تفسیر قرآن نیز چون علم اهل بیت علیهم السلام محروم ماندند با داستانهای یهود و نصاری آمیخته شد و نوعی فرهنگ التقاطی در گذر ایام شکل گرفت. رفته رفته که قیامهای شیعی اوج گرفت و گاه فضاها سیاسی به دلایلی باز شد، دو نظریه قیام مسلحانه و نهضت فرهنگی در اذهان مطرح شد. چون قیام های مسلحانه به دلیل اقتدار حکام اموی و عباسی عموماً با شکست رو به رو می شد، نهضت امام صادق (ع) به سوی حرکتی علمی می توانست سوق پیدا کند تا از این گذر علاوه بر پایان دادن



به‌ر کود و سکوت مرگبار فرهنگی، اختلاط و التقاط مذهبی و دینی و فرهنگی نیز زدوده شود. لذا اولویت در نهضت امام بر ترویج و شکوفایی فرهنگ دینی و مذهبی و پاسخگویی به شبهات و رفع التقاط شکل گرفت.

د- شیوه‌ها و اهداف نهضت علمی و فرهنگی

۱- تربیت راویان

از گذر ممنوعیت نقل احادیث در مدت زمان طولانی توسط حکام اموی، احساس نیاز شدید به نقل روایات و سخن پیامبر (ص)، امیر مومنان (ع)، امام (ع) را وامی داشت به تربیت راویان در ابعاد مختلف آن روی آورد. لذا اینک از آن امام در هر زمینه‌ای روایت وجود دارد و این است راز نامیده شدن مذهب به جعفری.

آری، راویان با فراگرفتن هزاران حدیث در علومی چون تفسیر، فقه، تاریخ، مواعظ، اخلاق، کلام، طب، شیمی و... سدی در برابر انحرافات ایجاد کردند. امام صادق (ع) می‌فرمود: ابان بن تغلب سی هزار حدیث از من روایت کرده است. پس آن‌ها را از من روایت کنید.

محمد بن مسلم هم شانزده هزار حدیث از حضرت فرا گرفت. و حسن بن علی و شامی گفت: من در مسجد کوفه نه صد شیخ را دیدم که همه می‌گفتند: جعفر بن محمد برایم چنین گفت.

این حجم گسترده از راویان در واقع، کمبود روایت از منبع بی‌پایان امامت را در طی دوره‌های مختلف توانست جبران کند و از این حیث امام به موفقیت لازم دست یافت. آری، روایت از این امام منحصر به شیعه نشد و اهل سنت نیز روایات فراوانی در کتب خود آوردند. ابن عقده و شیخ طوسی در کتاب رجال و محقق حلی در المعبر و دیگران آماری داده‌اند که مجموعاً راویان از امام به چهار هزار نفر می‌رسند و اکثر اصول اربعه‌آمده از امام صادق (ع) است و همچنین اصول چهار صد گانه اساسی کتب اربعه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب، الاستبصار) را تشکیل دادند.

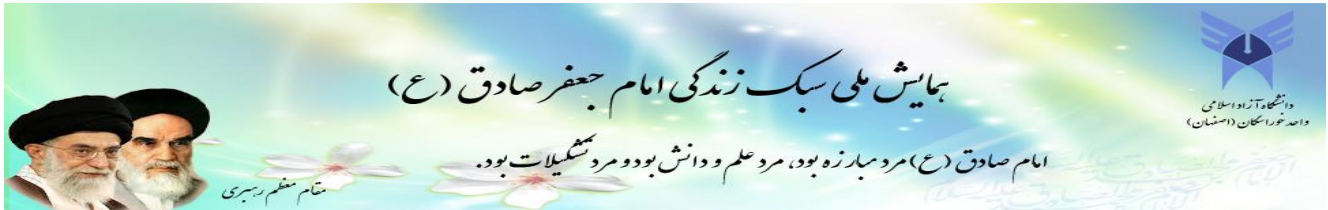
۲- تربیت مبلغان و مناظره کنندگان

علاوه بر ایجاد خزائن اطلاعات (راویان) که منابع خبری موثق تلقی می‌شدند، حضرت به ایجاد شبکه‌ای از شاگردان ویژه همت گمارد تا به دومین هدف خود یعنی زدودن اختلاط و التقاط همت گمارند و شبهات را از چهره دین بزدايند. هشام بن حکم، هشام بن سالم، قیس، مؤمن الطاق، محمد بن نعمان، حمران بن اعین و... از این دست شاگردان مبلغ هستند. برای نمونه، مناظره‌ای از صدها مناظره را با هم می‌خوانیم:

هشام بن سالم می‌گوید: در محضر امام صادق (ع) بودیم که مردی از شامیان وارد شد و به امر امام نشست. امام پرسید: چه می‌خواهی؟

گفت: به من گفته‌اند شما داناترین مردم هستید، می‌خواهم چند سؤال بکنم. امام پرسید: درباره چه چیز؟

گفت: در قرآن، از حروف مقطعه و از سکون و رفع و نصب و جر آن. امام فرمود: ای حمران! تو جواب بده. او گفت: من می‌خواهم با خودتان سخن بگویم. امام فرمود: اگر بر او پیروز شدی، بر من غلبه کرده‌ای! مرد شامی آن قدر از حمران سؤال کرد و جواب شنید که خود خسته شد و در جواب امام که: خوب چه شد؟ گفت: مرد توانایی است. هر چه پرسیدم، جواب داد. آن‌گاه به توصیه امام حمران سوالی پرسید و مرد شامی در جواب آن درمانده شد. آن‌گاه



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

خطاب به حضرت گفت: در نحو و ادبیات می خواهم با شما سخن بگویم. حضرت از ابان خواست با او بحث کند و باز آن مرد ناتوان شد. تقاضای مباحثه در فقه کرد که امام زراره بن اعین را به وی معرفی کرد. در علم کلام، مؤمن الطاق، در استطاعت، حمزه بن محمد، در توحید، هشام بن سالم و در امامت، هشام بن حکم را معرفی کردند و او مغلوب همه شد.

امام چنان خندید که دندان هایش معلوم شد. مرد شامی گفت: گویا خواستی به من بفهمانی در میان شیعیان چنین مردمی هستند. امام پاسخ داد. بلی! و در نهایت او نیز در جرگه شیعیان داخل شد.

۳- برخورد با انحرافات ویژه

امام علاوه بر آن دو حرکت اصولی، برای رفع انحرافات ویژه نیز می کوشید، مانند آنچه از مرام ابوحنیفه در عراق گریبان شیعیان را گرفت. یعنی بـ... یعنی... مذهب قیاس.

چون در عراق تعداد زیادی از شیعیان نیز زندگی می کردند و باسنی ها از حیث فرهنگی و اجتماعی تا حدودی در آمیخته بودند، لذا احتمال تاثیر پذیری از قیاس وجود داشت. یعنی یک آفت درونی که می توانست شیعیان را تهدید کند، لذا امام در محو مبانی مذهب قیاس و استحسان تلاش کرد.

مبارزه با برداشت های جاهلانه و قرائت های سلیقه ای از دین نیز در مکتب امام جایگاه ویژه ای داشت و حضرت علاوه بر حرکت کلی و مسیравلی، به صورت موردی با این انحرافات مبارزه می کرد. از جمله آن ها حکایت معروفی است که با هم می خوانیم:

حضرت مردی را دید که قیافه ای جذاب داشت و نزد مردم به تقوا مشهور بود. او دو عدد نان از دکان نانوايي دزدید و به سرعت زیر جامه اش مخفی کرد و بعد هم دو عدد انار از میوه فروشی سرقت کرد و به راه افتاد. وقتی به مریضی مستمند رسید، آن ها را به او داد.

امام صادق (ع) شگفت زده نزد او رفت و گفت: چه می کنی؟ او پاسخ داد: دو عدد نان و دو عدد انار برداشتم. پس چهار خطا کردم و خدا می فرماید: (من جاء بالسيئة فلا يجزى الامثلا); هر کس کار بدی بکند کیفر نمی بیند مگر مثل آن را. پس من چهار گناه دارم. از طرف دیگر چون خدا می فرماید: (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها); هر کس یک کار نیک انجام دهد، برایش ده برابر ثواب هست. و من چون آن چهار چیز (دو نان و دو انار) را به فقیر دادم، پس چهل حسنه دارم که اگر چهار گناه از آن کم کنم، ۳۶ حسنه برایم می ماند!

امام در برابر این برداشت و قرائت ناصواب که بر عدم درک و احاطه کامل به مبانی فهم آیات بنا شده بود، پاسخ داد که (انما يتقبل الله من المتقين) خداوند کار نیک را از متقین قبول دارد. یعنی اگر اصل عمل نامشروع شد، ثوابی بر آن نمی تواند مترتب باشد. آری، دوری از منبع وحی و اخبار اهل بیت رسالت، سبب شد مردانی پای به عرصه گذارند و ادعای فضل کنند که هرگز مبانی فکری قرآن و دین را به خوبی نفهمیده اند و از این روی همواره، خود و پیروانشان را به راه خطا رهنمون می شوند.

رویکرد فکری، آموزشی و پرورشی امام صادق علیه السلام

از این نگاه می توان به رویکرد فکری، آموزشی و پرورشی امام صادق علیه السلام پرداخت و دانست که چرا ایشان در دوران بحران سیاسی و اجتماعی که جامعه آن روز اسلام و جهان اسلام را فرا گرفته بود و حکومتها دست به دست می شد به جنبش و قیام مسلحانه دست نیازید و خلافت و حکومت اسلامی را که حق ایشان بود در دست نگرفت و حتی در پاسخ به پاره ای از دعوت ها برای در دست



گرفتن پیشوایی و رهبری قیام بر ضد حکومت در حال فروپاشی امویان اقدامی نکرد بلکه حتی نامه پیشنهادی رانزد فرستاده ابوسلمه معروف به وزیر آل البیت علیهم السلام را سوزاند. پرسش این است که چرا دو گونه رفتار از دو امام به یقین صورت می‌پذیرد و یکی قیام می‌کند و دیگری نامه را می‌سوزاند؟ تعارض از کجا ناشی شده است؟

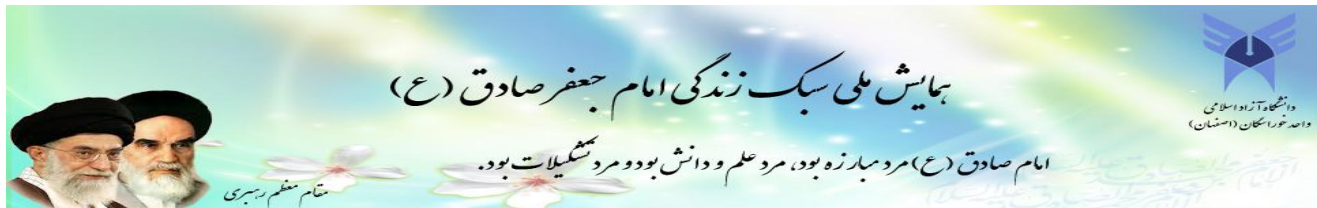
به ظاهر تعارض و تناقض به نظر می‌رسد که اگر در مقابل ظلم باید قیام کرد و از هیچ خطر پروا نکرد، پس چرا امام صادق علیه السلام قیام نکرد، بلکه در زندگی مطلقاً راه تقیه پیش گرفت و اگر باید تقیه کرد و وظیفه امام این است که به تعلیم و ارشاد و هدایت مردم بپردازد، پس چرا امام حسین علیه السلام این کار را نکرد؟

چرا در روش و رویکردهای پیشوایان دینی به این امور متعارض و متناقض نما برخورد می‌کنیم؟ آیا این تعارض‌ها و تناقض‌ها همانند تعارض‌ها و تناقض‌هایی است که در مسایل فقه و احکام وجود دارد؟

مشکل اینجاست که همان گونه که اگر در اخبار متعارض و متناقضی که در فقه و احکام نقل شده، تعارض‌ها حل نگردد و هر کس به خبر و حدیثی تمسک جوید، موجب می‌شود که هرج و مرج در فقه پدید آید، اگر در این رویکردها و راهبردهای مختلف پیشوایان از آن جمله امام حسین و امام حسن علیهم السلام و دیگر امامان و پیشوایان درود خداوند برایشان باد. تعارض‌ها و تناقض‌ها برطرف نگردد، موجب آن خواهد شد که هرج و مرج اخلاقی و اجتماعی و سیاسی پدید آید و هر کس به هوا و هوس خود راهی را پیش بگیرد و بعد آن را با عملی که در یک مورد معین و یک زمان معین از یکی از امامان و پیشوایان نقل شده توجیه و تفسیر کند و فرد دیگری نیز بر پایه هوس خود راهی دیگر که ضد آن است را پیش بگیرد و او نیز آن را به یکی از امامان و رفتارها، گفتارهای گزینشی از آنان استناد داده و آن را اصل بگیرد؛ و این چنین است که برخی، با توجه به این تفاوت‌ها، تعارض‌ها و تناقض‌ها بگویند که اسلام دین آخرت است و آن دیگری بگوید دین حکومت و دنیا است نه دین آخرت. یکی حرکت امام حسین علیه السلام را حرکت دنیوی در جهت رسیدن به خلافت و حکومت توجیه کند و آن دیگری صلح امام حسن علیه السلام، کنارگیری امام زین العابدین علیه السلام و سوزاندن نامه رهبر قیام و جنبش‌های دوره پایانی حکومت اموی توسط امام صادق علیه السلام را نشان از اخروی بودن اسلام و غیر دنیای بودن آن تفسیر نماید.

امام صادق علیه السلام در عصر و زمانی واقع شد که افزون بر حوادث و رخدادهای سیاسی یک سلسله حوادث اجتماعی و پیچیدگی‌ها و ابهام‌های فکری و روحی پس از ورود فرهنگ‌ها و آیین‌های فلسفی و اندیشه از شاهنشاهی‌های ایران و روم، پیدا شده بود. در این زمان پاسداری از سنگرهای اعتقادی مهمترین امر به شمار می‌آمد. مقتضیات زمان امام صادق علیه السلام که در نیمه نخست سده دوم هجری می‌زیست با زمان سیدالشهدا علیه السلام که در حدود نیمه نخست سده یکم بود، بسیار متفاوت بود.

آن کس که سری پرشور دارد و طبع و مزاجش با آرامش سرسازش ندارد و خاموشی را نپسندد برای توجیه رویکرد و رفتارهایش به شیوه پیامبر (ص) در صدر اسلام و جنبش و قیام‌های شیعیان و به ویژه جنبش و نهضت حسینی استناد کند و آن دیگری که مزاجی عافیت طلب و گوشه‌گیر موضوع تقیه و راه و روش امام صادق علیه السلام یا دیگر پیشوایان که چنین روشی را برگزیده‌اند استناد نماید و به این صورت رویکردها و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های متفاوت این پیشوایان تنها ابزاری برای توجیه رویکردها خواهد شد و کسی به سخن کسی گوش فرا نخواهد داد و جامعه و مکتب دچار هرج و مرج و اضطراب می‌گردد.



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

با نگاهی دوباره به آن چه در آغاز گفتار گذشت رمز این تعارض ها و تناقض نماها دانسته خواهد شد و پرده از راز فرو خواهد افتاد . چون پویایی درعین حال پایداری آموزه ها و گزاره ها و روح زنده و سیال و پویای تعلیمات اسلامی چنین تعارض و تناقض نماهایی را ایجاب می کند. این تعارض ها و تناقض ها در واقع آموزش بهره گیری و به کارگیری از شرایط و امکانات زمان و بهترین شیوه پاسخگویی به نیازهای هر زمان است که می توان از آنها در راستای تکامل انسان و جامعه انسانی بهره گرفت و از آن سود برد . شهید مطهری درباره دو رویکرد متفاوت دو امام صادق و امام حسین علیهما السلام می فرماید: امام حسین علیه السلام بدون پروا، با آن که قراین و نشانه ها حتی گفته های خود آن حضرت حکایت می کرد که شهید خواهد شد، قیام کرد ولی امام صادق علیه السلام با آن که به سراغش رفتند، اعتنا نمود و قیام نکرد، ترجیح داد که در خانه بنشیند و به کار تعلیم و ارشاد بپردازد.

به ظاهر تعارض و تناقض به نظر می رسد که اگر در مقابل ظلم باید قیام کرد و از هیچ خطر پروا نکرد، پس چرا امام صادق علیه السلام قیام نکرد، بلکه در زندگی مطلقاً راه تقیه پیش گرفت و اگر باید تقیه کرد و وظیفه امام این است که به تعلیم و ارشاد و هدایت مردم بپردازد، پس چرا امام حسین علیه السلام این کار را نکرد؟

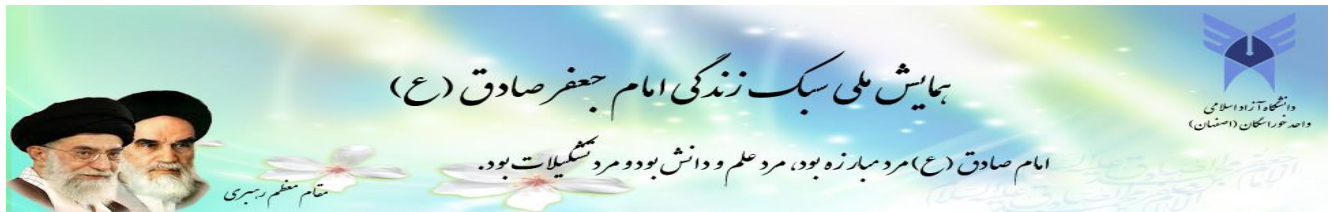
شهید مطهری با توجه به اوضاع سیاسی عهد امام به این پرسش پاسخ می دهند و بیان می دارند که این رویکرد به ظاهر متناقض و متعارض تنها به شرایط و مقتضیات زمان و مکانستگی داشته که درسی آموزنده برای رهروان راه پیشوایان راستین است تا بدانند که در شرایط مختلف می توانند رویکردهای متفاوتی داشته باشند. امام صادق علیه السلام می دانست که بنی العباس مانع آن خواهند شد که حکومت به اهل بیت پیامبر (ص) منتقل شود و در صورت پذیرفتن پیشنهاد بدون هیچ تاثیر گذاری مثبت، آن حضرت را شهید خواهند کرد . ایشان می فرمایند: امام علیه السلام اگر می دانست که شهادت آن حضرت برای اسلام و مسلمین اثر بهتری دارد، شهادت را انتخاب می کرد. همان طوری که امام حسین علیه السلام به همین دلیل شهادت را انتخاب کرد. در آن عصر که به خصوصیات آن اشاره خواهیم کرد، آن چیزی که بهتر و مفیدتر بود رهبری یک نهضت علمی و فکری و تربیتی بود که اثر آن تا امروز هست. همان طوری که در عصر امام حسین علیه السلام آن نهضت ضرورت داشت و آن نیز آن طور به جا و مناسب بود که اثرش هنوز باقی است.

جان مطلب همین جا است که در همه این کارها، از قیام و جهاد و امر به معروف و نهی از منکرها و از سکوت ها و تقیه ها باید به اثر و نتیجه آنها در آن موقع توجه کرد. اینها اموری نیست که به شکل یک امر تعبدی از قبیل وضو، غسل، نماز و روزه صورت بگیرد.

اثر این کارها در مواقع مختلف و زمان های مختلف و اوضاع و شرایط مختلف فرق می کند. گاهی اثر قیام و جهاد برای اسلام نافع تر است و گاهی اثر سکوت و تقیه، گاهی شکل و صورت قیام فرق می کند. همه اینها بستگی دارد به خصوصیت عصر و زمان و اوضاع و احوال روز و یک تشخیص عمیق در این مورد ضرورت دارد، اشتباه تشخیص دادن زیانها به اسلام می رساند.

آموزه های تربیتی از منظر امام صادق (ع)

پاسدار حریم ولایت، امام جعفر صادق (ع) در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هـ ق در مدینه دیده به جهان گشود. دوران امامتش از سال ۱۱۴ هـ ق شروع شد و مقارن بود با خلافت پنج تن از خلفای اموی و دو طاغوت عباسی، آن بزرگوار در 25 شوال سال ۱۴۸ هـ ق در سن ۶۵ سالگی توسط منصور دوانیقی مسموم شد و پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.



در زمان امامت آن حضرت بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که آن ها با یکدیگر داشتند، فضای مناسبی برای ایشان فراهم شد.

آن امام همام در این فرصت توانست وسیع ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود ۴ هزار نفر از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. امام صادق (ع) توسط شاگردانش دستورالعمل های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمانان آموزش داد و از این رهگذر موفق گردید که مکتب اهل بیت (ع) را به جهان معرفی کند. رهنمودهای راهگشای آن بزرگوار در زمینه فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و... برگ زرینی در تاریخ شیعه می باشد که در این نوشتار به بیان آموزه های تربیتی آن خواهیم پرداخت. امید است که ره توشه ای باشد برای پویندگان راه امامت و ولایت.

دعوت به پیروی از اخلاق حسنه

نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی رسد، چنان که امام صادق (ع) فرمود: لایکون حسن الخلق إلا فی کلّ ولی و صفی و لایعلم ما فی حقیقه حسن الخلق إلا الله تعالی؛ حسن خلق یافت نمی شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی داند.

رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده، بلکه در سیره خود برای ثمربخش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق های عینی آن نیز پرداخته است تا مسأله مذکور، ملموس تر و محسوس تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سؤال شد، فرمود: العفو عن ظلمک و صله من قطعک و اعطاء من حرّمک و قول الحق ولو علی نفسک؛ گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته و گفتن سخن حق هر چند به ضرر تو باشد.

صادق آل محمد (ص) در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می فرماید: حسن الخلق یزید فی الرزق؛ خوی نیک باعث افزایش روزی می شود.

در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید: من حسن برّه فی اهل بینه زید فی عمره؛ هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می شود.

هم چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بد خلقی تأکید نموده است.

بیدارسازی وجدان ها

آموزه های الهی نشان می دهد که انسان هر چند ممکن است در ظاهر حقایق را فراموش کند، اما از درون هرگز دچار فراموشی حقایق نمی شود و با مخاطب قرار دادن درون و فطرتش می توان او را نجات داد.



قرآن کریم در این زمینه می فرماید: *وَلئن سألتهن من خلق السموات و الارض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله...؛* اگر از آن ها پرسیدی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را به تسخیر در آورد، به یقین می گویند خدا. این روش را در سیره امام صادق (ع) هم می بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می خواهد که خود را در موقعیت فرض شده ببیند و بفهمد که فطرتش چه می جوید و چه می خواهد؟

مردی به خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن. خدا چیست؟ مجادله کنندگان بر من چیره شده اند و سرگردانم نموده اند. امام فرمود: ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا شده که کشتی بشکند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و امکان نجات با شنا را هم نداشته باشی. گفت: آری. فرمود: در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری تو را نجات دهد، دلبسته بودی؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است، آن جا که فریادرسی نیست، او فریادرس است.

تشویق به تفکر

کاربرد روش عقلانی در نظام فکری اسلام جایگاه مهمی دارد. به کارگیری قدرت تعمق و تفکر به عنوان ابزار معرفت صحیح و هدایت گر انسان به سوی پیشرفت و تعالی است.

اساس تمام پیشرفت های مادی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تعمق بوده است. اگر بشر قرن بیست و یکم از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت های چشمگیری دست یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است.

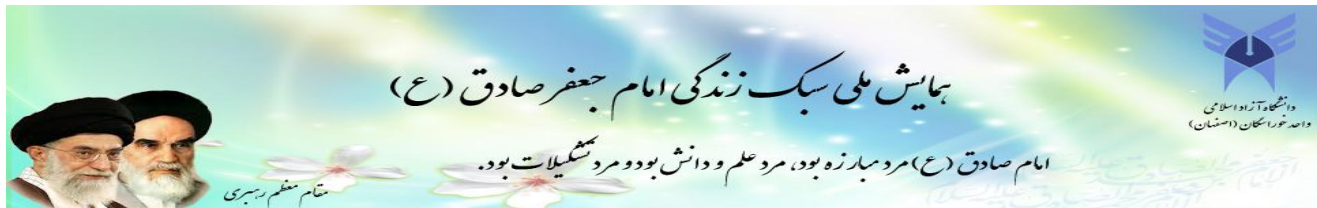
پیامبران، امامان معصوم (ع) و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده اند. در منزلت ابوذر غفاری امام صادق (ع) فرمود: کان اکثر عباده ابی ذرّ التفکر و الاعتبار؛ بیش ترین عبادت ابوذر، اندیشه و عبرت اندوزی بود.

آن حضرت در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قایل بود و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش تعقل و تفکر در مسائل دینی بیان فرموده است. ایشان در این زمینه می فرماید: کسی که در دین خدا اندیشه نکند، امید خیری در او نیست. اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسائل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می شود و هرگاه به آن ها نیاز پیدا کرد، آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می دهند در حالی که خودش نمی داند.

بهره گیری از افراد توانا

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت با ارزیابی قابلیت ها و توانمندی های شاگردان خود، برخی از آن ها را برای پاسخ به سؤالات و گفت و گوهای علمی پرورش داده بود. به عنوان مثال در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت، افراد ممتاز و برگزیده ای، همچون: هشام بن سالم، هشام بن حکم، حمران بن اعین و... را تربیت کرده بود و به موقع از آن ها استفاده می کرد.

هشام بن حکم می گوید: مردی از شام وارد شد و به امام صادق (ع) گفت: می خواهم چند سؤال بکنم. حضرت پرسید: درباره چه می خواهی پرسیدی؟ گفت: از قرآن. امام فرمود: ای حمران! تو جواب بده. مرد گفت: می خواهم با خودتان بحث کنم. امام فرمود: اگر بر او غلبه کردی، بر من پیروز شده ای. مرد شامی آن قدر سؤال کرد و پاسخ صحیح شنید که خسته شد و به امام گفت: حمران مرد توانایی است. هرچه پرسیدم، جواب داد. آن گاه حمران به اشاره امام سؤالی پرسید که او جوابی نداشت.



مرد این بار تقاضای پرسش درباره نحو کرد. امام او را به ابان بن تغلب حواله داد و در فقه به زراره بن اعین و در کلام به مؤمن الطاق و در توحید به هشام بن سالم و در امامت به من معرفی کرد و او در تمام موارد مغلوب شد.

امام چنان خندید که دنداننش ظاهر شد. مرد شامی گفت: گویا می خواستی به من بفهمانی که در میان شیعیان چنین مردمی داری؟ امام فرمود: همین طور است. آن مرد به جرگه شیعیان پیوست. این رویداد بیان گر انسجام و تبلیغ گروهی است که امام صادق (ع) در مورد آن فرموده است: رحم الله عبداً اجتمع مع آخر فتذکر امرنا؛ خدا رحمت کند بنده ای را که با دیگری همراه شود تا دستورات ما را تبلیغ کند.

راهنمایی و تذکر

هر دانشمندی هر چند توانمند باشد، ولی معمولاً دارای ضعف هایی است که باید آن ها را به قوت مبدل کند و اگر نقاط قوتی دارد باید بر آن ها تکیه زند تا بهتر مورد استفاده قرار گیرد.

امام صادق (ع) در ضمن جلسات درسی و یا در ملاقات ها و نشست های علمی که با شاگردان خود داشت، هرگاه به نقاط ضعف یا قوت آنان برخورد می کرد، هرگز از یادآوری آن خودداری نمی کرد.

یونس بن یعقوب می گوید: امام پس از آن که عدّه ای از شاگردان خود را برای بحث و گفت و گو با یک مرد شامی فرا خواند، در پایان به نقاط مثبت و منفی که در آن ها دیده اشاره کرد.

درباره حمران بن اعین فرمود: ای حمران! تو در بحث سخنی را دنبال می کنی و به نتیجه می رسی. به هشام بن سالم فرمود: می خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی، اما توانایی نداری و به قیس بن ماصر فرمود: به هنگام گفت و گو به حق نزدیک می شوی، اما از اخبار و احادیث پیامبر (ص) بسیار فاصله می گیری و حق را به باطل می آمیزی، اما بدان که سخن حق اگرچه کم باشد تو را از باطل بسیار بی نیاز خواهد ساخت. سپس افزود تو در بحث و مناظره جنب و جوش خوبی داری و بسیار حاذق و هوشیار هستی.

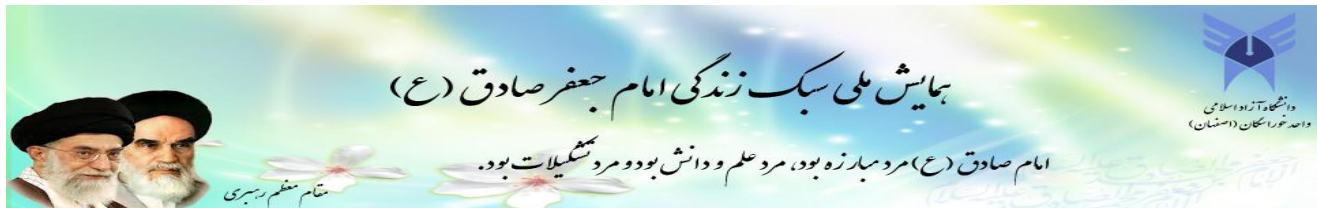
یونس بن یعقوب می گوید: یک لحظه با خود گفتم که شبیه همین سخنان را آن بزرگوار به هشام بن حکم خواهد گفت، اما دیدم که حضرت وی را مخاطب قرار داد، فرمود: ای هشام! پیش می روی، اما همین که می خواهی به زمین بخوری، ناگهان پرواز می کنی و مثل تو باید با مردم سخن بگویند. از لغزش پرهیز که امداد شفاعت پشت سر تو خواهد بود.

تبلیغ عملی

مؤثرترین روش امامان در عرصه تبلیغ، تبلیغ عملی بود، یعنی خود، تجسم عالی ارزش های انسانی که همان ارزش های قرآنی است، بودند.

قرآن کریم آنان را که از خوبی ها می گویند، اما خود به آن عمل نمی کنند، مورد نکوهش قرار می دهد: یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون...؟ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی را که انجام نمی دهید به مردم می گوئید....

بیش ترین سفارش امامان در عرصه تبلیغ دین دعوت به تبلیغ عملی بوده است. از نگاه آنان عالم واقعی کسی است که عملش همراه با عمل باشد. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: العالم من صدق فعله قوله و من لم یصدق فعله قوله فلیس بعالم؛ عالم کسی است که رفتار او گفتارش را تصدیق کند و هر کس که کردار او سخن وی را تصدیق نکند او بر خلاف گفته اش باشد، عالم نخواهد بود.



آن گوهر نبوی در روایت دیگر می فرماید: کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکونوا دعاة الناس بالستکم؛ مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید نه با زبان خود. تأثیر عمیق دعوت عملی از این جا سرچشمه می گیرد که هرگاه شنونده بداند که گوینده از صمیم جان سخن می گوید و به گفته خودش صد در صد اعتقاد و ایمان دارد، گوش جان خود را بر روی سخنان گوینده می گشاید، زیرا سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

دانش اندوزی

یکی از روش های تربیت، تقویت بنیه های علمی است. ارزش علم و اهمیت آن زمانی مشخص می شود که در زندگی انسان ها راه پیدا کند و آن را جهت دهد. آیین اسلام از روزی که در صحنه تاریخ گیتی درخشید، فکر و اندیشه انسان ها را با نور ایمان روشن ساخت و برای زدودن غبار جهل و نادانی از وجود انسان ها، تلاش بی وقفه ای را آغاز کرد. بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت محمد(ص) در طول ۲۳ سال از آغاز بعثت تا روز رحلت همواره مسلمانان را به کسب دانش ترغیب و تشویق می کرد و نادانی را زمینه ساز بدبختی و هلاکت مردم به شمار می آورد.

از منظر امام صادق(ع) علم و دانش نوری است که خداوند به قلب و دل هر کس بخواهد، می تاباند، به همین جهت با عبارات حکیمانه ای شیعیان را به کسب دانش ترغیب می کرد.

آن بزرگوار در این زمینه چنان گام برداشته است که برای شیعیان واقعی در این مورد جای عذر باقی نگذاشته است، آن حضرت در معروف ترین کلام خود فرمود: لست احب ان اری الشَّابَّ منکم اَلَا غادياً فی حالین. اما عالماً او متعلماً فان لم یفعل فرط فان فرط ضیع فان ضیع اثم و ان اثم سکن النار؛ دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر این که در یکی از این دو حالت صبح کند: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلم و آموزنده، پس اگر در هیچ کدام از این دو حالت نبود، کم کاری و کوتاهی کرده و در این صورت عمر خود را ضایع نموده و گناهکار است و نتیجه آن عذاب الهی خواهد بود.

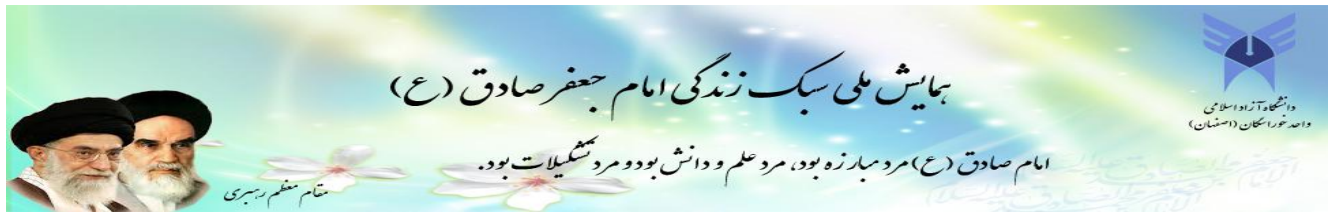
استفاده از فرصت ها

در زندگی گاهی فرصت هایی به دست می آید که شخص می تواند از آن ها به بهترین وجه برای بهبودی دین و دنیای خویش بهره گیرد. آینده نگرانی افراد سبب می شود که این فرصت های طلایی عاملی برای ارتقاء جایگاه معنوی و اجتماعی آنان گردد. بدون شک از دست دادن چنین فرصت هایی موجب غم و اندوه و پشیمانی خواهد بود. امام صادق(ع) در این زمینه می فرماید: هر کس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت، زیرا عادت روزگار سلب فرصت ها و رسم زمانه از بین بردن موقعیت هاست.

ارتباط با نسل جوان

در تربیت اسلامی هدایت و تربیت نسل جوان اهمیت ویژه ای دارد. نوجوان قلبی پاک و روحی حساس و عاطفی دارد. ارزش دادن به شخصیت بهترین شیوه ارتباط با اوست.

شیوه رفتاری امام صادق(ع) با جوانان و دستورالعمل های آن حضرت برای جوانان و نحوه برخورد با آنان بهترین راهکار برای حل مشکلات و معضلات این قشر است.



آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان و جوانان توجه نموده و این چنین می فرماید: علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کلّ خیر؛ بر تو باد تربیت نوجوان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.

رعایت اعتدال

رعایت اعتدال و میانه روی در مخارج و درآمدهای زندگی موجب آسایش و رفاه خواهد بود. اسراف و تبذیر موجب اختلال در نظم زندگی می شود و چه بسا جایگاه اجتماعی فرد را متزلزل نموده و گاهی آبرو و شخصیت او را از بین می برد. معمولاً افرادی که ولخرجی می کنند، دچار تنگدستی و فقر می شوند و سپس از گردش ناملایم روزگار شکایت می کنند. امام صادق(ع) می فرماید: انّ السرف یورث الفقر و انّ القصد یورث الغنی؛ اسراف موجب فقر و میانه روی سبب توانایی است.

تدبّر در قرآن

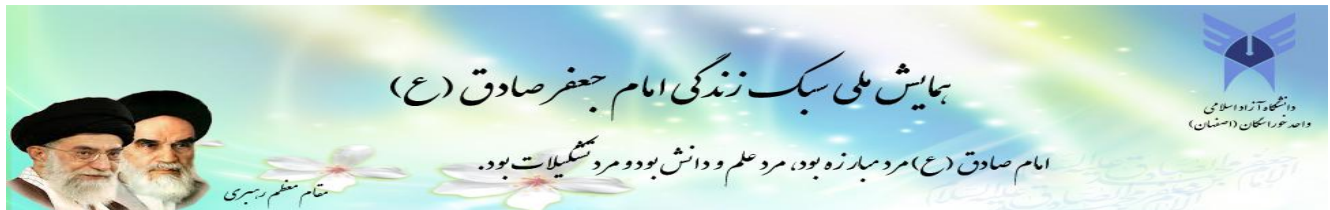
آخرین آموزه ای که از منظر امام جعفر صادق(ع) در این نوشتار بدان اشاره می شود، تدبّر در آیات قرآن است که هر فرد مسلمان بنابر ظرفیت وجودی خود می تواند از معارف، حقایق و آموزه های قرآن استفاده کند. امام معصوم(ع) با بیان های متنوع، هدایت جویان کوی سعادت را به اندیشیدن در آیات قرآن تشویق و ترغیب نموده اند.

صادق آل محمد(ص) در این زمینه می فرماید: همانا قرآن جایگاه نور هدایت و چراغ شب های تار است. پس شخص تیزبین باید در آن دقت کند و برای بهره مندی از پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشیدن مایه زندگانی و حیات قلب انسان بیناست. آن حضرت در جای دیگر در مورد عدم شتاب در قرائت قرآن و توجه به محتوای آیات می فرماید: قرآن با سرعت نباید خوانده شود و باید شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به آیه ای که در آن نام بهشت برده شده است، گذرکنی آن جا بایست و از خدای عزّ و جلّ بهشت را بخواه و چون به آیه ای که در آن دوزخ ذکر شده است، گذر کنی، نزد آن نیز توقف کن و از دوزخ به خدا پناه ببر.

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت هم چنان که مردم را به تدبّر و تعمّق در آیات قرآن سفارش می کرد، خود نیز در آیات قرآن تدبّر و دقت می نمود و در این راه از خداوند منان توفیق طلب می کرد. آن حضرت وقتی قرآن را در دست می گرفت، قبل از تلاوت به خداوند عرض می کرد: خدایا! من شهادت می دهم که این قرآن از جانب تو بر پیامبر نازل شده است و کلام توست که بر زبان پیامبر جاری شده است. خدایا نگاه کردنم را در قرآن عبادت و قرائتم را تفکّر و فکر کردنم را عبرت پذیری قرار بده و نیز قرائتم را قرائت بدون تدبّر قرار مده و به من توفیق ده که در آیات قرآن و احکام آن تدبّر کنم بدرستی که تو مهربان و رحیم هستی.

نتیجه گیری:

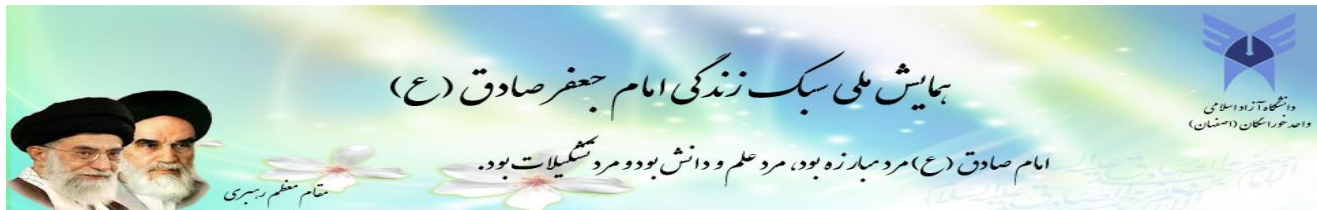
دوران زندگی امام صادق(ع) مصادف با دوران حکومت ظالمانه خلفای عباسی بود. این خلفا در ظاهر سعی داشتند خود را حامی اهل بیت عصمت و طهارت نشان دهند و در این خصوص دست به نوعی ظاهر سازی بزنند. حضرت امام صادق(ع) از این فرصت جهت نشر احکام اسلامی و نشر علوم و معارف اهل بیت استفاده نمودند. ایشان راهی را که پدر بزرگوارشان حضرت امام باقر(ع) آغاز نموده بودند را به صورتی وسیع تر ادامه دادند. تشکیل مجالس درس و بحث از اصلی ترین اقدامات امام صادق(ع) بود و ایشان بیش از ۴۰۰۰ شاگرد در این راه تربیت نمودند. دوران امام صادق(ع) دورانی استثنایی جهت گشودن افقهای تازه علمی برای مسلمین و انتشار علوم اهل بیت



در سرتاسر عالم بود. شاگردانی که امام صادق (ع) تربیت نمودند نیز توانستند در دوران اوج خفقان بنی عباس این علوم و تعالیم را به دیگر مسلمانان و شیفتگان مکتب اهل بیت انتقال دهند و امروزه نیز حوزه های علمیه و مراکز دینی ما از برکت این تعالیم استفاده می کنند. بی دلیل نیست که ما شیعیان اثنی عشری خود را شیعه جعفری می نامیم. این به دلیل نقش این امام همام در انتشار تعالیم ناب اسلام است.

همان گونه که ذکر کردم این امکان در دوران امامت حضرت امام صادق (ع) فراهم گردید و ایشان نیز به بهترین نحو ممکن از این فرصت استفاده نمودند. بنا بر این ائمه معصومین ما همه راه واحدی را در خصوص ترویج معارف الهی طی کرده اند، اما فرصتهای پیش روی آنها لزوماً برای نشر این معارف یکسان نبوده است. سران مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز از سفره علم و معرفت امام صادق (ع) ارتزاق نموده اند. بسیاری از احادیث که راهنمای عملی ما در زندگی هستند نیز از زبان حضرت امام صادق (ع) نقل شده است. اینها همه نشاندهنده نقش پررنگ این امام همام می باشد.

حضرت امام صادق (ع) وظیفه و رسالتی را که در زمینه نشر معارف اهل بیت بر عهده داشتند به بهترین شایان جلسات درس و بحث را به صورتی گسترده تشکیل داد و شاگردان زیادی را در این راه تربیت نمود. شاگردانی که توانستند این معارف را زنده نگاه دارند. پس نقش امام صادق (ع) در تاریخ شیعه، به لحاظ رسالت علمی که توسط ایشان به انجام رسید بسیار عظیم می باشد. ایشان شالوده علمی قوی و استواری را پایه ریزی کرد که تا به امروز راهنمای پیروان حقیقت می باشد. پس نامگذاری شیعه اثنی عشری به شیعه جعفری ریشه در نهضت مذهبی و علمی این امام بزرگوار و ادامه این نهضت توسط شاگردان ایشان دارد. نهضت پویای که همچنان ادامه خواهد داشت .



منابع:

الارشاد، شیخ مفید، ج ۲ ص ۱۷۴

انصاریان، حسین، مکتب علمی امام صادق (ع) (۱۳۹۰) تابستان، پیام فرهنگیان، ش مسلسل ۳۶۹، ص ۲۲-۲۳

بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۸، ص ۳۹۳

تقی حکیم، سید محمد (۱۳۶۹) درسهایی از مکتب امام صادق (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران

رمضانی، علی (۱۳۸۹) اذر، دانش اندوزی در سیره عملی امام صادق (ع) تربیت، ش مسلسل ۲۳۸، ص ۱۴-۲۰

مطهری، (۱۳۹۰) تابستان، پیام فرهنگیان، ش مسلسل ۲۷ ص ۶۶-۶۸

مغنیه، محمد جواد (۱۳۹۷ ه ق) ارزشهای اخلاقی در فقه امام صادق، رادمنش، سید محمد، انتشارات محمدی، تهران



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسگان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسگان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسگان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خراسان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسگان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)



مقام معظم رهبری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)